



بررسی و مقایسه تطبیقی کیفیت وجودی هستی مطلق از قاب نگاه هستی شناسانه صدرالمتهلین و امام علی علیه السلام

یاسین شیبک خالقداد^{۱*}، علی اکبر نصیری^۲

^۱دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، نویسنده مسئول *

Email: yasin. Sheybak. khaleghdad@ gmail. com

^۲استادیار فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

Email: draliakbarnasiri@ gmail. com

مقدمه:

چکیده:

گرایش به مبدأ جهان و کشش درونی به سوی حقیقتی که عالم به آن تکیه دارد در کنار میل به جاودانگی و سعادت، همواره دو دغدغه مقدس و دیر پای انسان بوده است. بر این منوال، مسئله خدا اساساً مسئله ای است فلسفی! آنگاه که درباره خدا بحث می کنیم در حقیقت درباره روح و حقیقت جهان و مبدأ و منشأ آن بحث کرده ایم.

درباره موجود در زمان و یا مکان بحث نمی کنیم. چه این که قرار دادن خدا در زمره یکی از علل و عوامل طبیعی جهان مساوی است با قراردادن او تعالی در ضمن مجموعه جهان و مخلوقات یعنی به نوعی شأن و حقیقت خدا بودن را از او گرفته ایم و او را به مخلوقی از مخلوقات تشبیه کرده ایم. در همین راستا و بر سبیل فلسفه اسلامی ملاصدرا که همواره عقل را بر کشف و شریعت استوار کرده و حکمت الهی علی علیه السلام، سعی بر آن شده تا عصاره و چکیده بیانات ایشان در تقابلی مشترک و پایاپای تحلیل و ارزیابی گردد.

از همین روی به نظر می رسد انتخاب واژه حکمت برای اندیشه و نظام صدرا با قصد و از سر غرض بوده است! چرا که وی بر این باور است که «حکمت» مقام پیامبران و ائمه و جانشینان آنها و مرتبه ای از کمال احسن است. حکمت متعالیه ساماندهی عالم به سامان عقلی به اندازه توان بشری است تا به آن، مظهریت عالم ربوبی حاصل شود.

مظهریت عالم ربوبی مقام «تخلّق به اخلاق الله» است که هدف آن عزیمت به سوی خداوند تبارک و تعالی است. لذا یکی از برجسته ترین مبانی فلسفه ملاصدرا، تفسیر عقلانی معارف الهی و البته تبیین فلسفی آموزه های کلامی است که این ساحت از حکمت متعالیه نسبت به ساحت صرف فلسفی آن، به نسبت، کمتر مورد عنایت پژوهشگران واقع شده است.

برهمن اساس یکی از عمده مسایلی که به شدت از نظریه فلسفی هستی شناسی صدرا متأثر گشته و در نظام فلسفی ایشان صبغه کاملاً جدیدی پیدا نموده اندیشه های او در اثبات وجود خداوند و بحث از اسماء و صفات او بر این مبنا است. مع هذا ما به حکم فطرت الهی عشق و کشش به سوی کمال و زیبایی مطلق داریم و از آن جا که انسان به کمال مطلق و تبعاً هستی مطلق و تمام میل دارد و این میل از مقوله تضایف است و دو امر متضایف در وجود تکافو دارند، می بایست معشوق کامل و زیبایی مطلق نیز محققاً تحقق داشته باشد.

خدا ... وجودی که همواره محور اصلی تعلیم دینی بوده و همه ادیان در پذیرش آن اشتراک نظر دارند اما آنچه که آنها را از یکدیگر متمایز می سازد بحث در توجیه و تفسیران هستی مطلق است. بر همین اساس بسیاری وجود مقدس خدای عالم را بی نیاز از هرگونه برهان دانسته و او را بهترین گواه بر بودنش گرفته اند. اما بودند و هستند کسانی که علی رغم قبول این مطلب سعی کرده اند به این بینش رنگ استدلالی داده و آن را به قالب های منطقی و فلسفی بکشانند. به نحوی که در فلسفه اسلامی در راستای این مهم برهانی تحت عنوان صدیقین مشهور گشت که البته این مشهوریت و مقبولیت اما با تقریرهای مختلفی همراه شد تا جایی که شاید به جرات بتوان گفت هیچ برهانی برای اثبات خدا این اندازه تقریرهای گوناگون در تاریخ فلسفه اسلامی نداشته است و به اعتراف میرزا مهدی آشتیانی از حکمای معاصر، برای این برهان نوزده قول و تقریر وارده شده است. در همین راستا و بر مبنای هدف اصلی این مقال، نخست تقریر مرحوم صدرا شیرازی از این برهان هستی شناسانه ارزیابی گشته؛ تقریری که در آن صدرا با اتکاء به فلسفه اصالت وجودی خود چهره ای تازه به این برهان بخشیده و بسیاری از نارسائیهای آن را کشف و مرتفع نموده است.

نکته مهم اینکه ایشان با این نگاه ویژه که شناخت خداوند هدف نهایی هر فلسفه ای است و با عنایت به لوازم بحث اصالت وجود، نتایجی از برهان مذکور گرفتند که به طور کلی از دید فلاسفه متقدم پنهان مانده بود. سپس در ادامه و تکمیل پژوهش با الهام گرفتن از کلمات امام الموحّدین و ملهم العارفین علی علیه السلام در عرصه وجود شناسی و حقیقت باری تعالی که همواره ذات را بر ذات گواه می گیرند، سعی بر آن بوده تا تبیین فلسفی خاص صدرا و نزدیکی و مشابهت آن به کلام آن امام همان نسبت به سایر تقریرهای بزرگان اندیشه و کلام اسلامی بیش از پیش برجسته و عیان گردد. امید است که این مقایسه و تصدیق محملی استوار در مسیر تقریب دو حوزه فلسفه عقلی و الهیات دینی بوده و گرهی از پیچ و تاب این مسئله کاسته شود.

کلید واژه ها: وجود، وجوب، معرفت نفس، برهان صدیقین، ملاصدرا، امام علی